



شیعه‌وسنی در

# فرهنگ مهدویت

محمد امیرناصری ارزگانی - کارشناسی ارشد علوم سیاسی، محقق و پژوهشگر



## چکیده

بدون شک مهدویت رمز وحدت مسلمین است، اما به دلیل دخالت عناصر مرموز، دستخوش چالش فرقه‌گرایی شده است که تشکیک در مهدویت و یا انکار مهدویت است. این‌ها مدعی‌اند که در اسلام اساساً مهدویت وجود ندارد؛ و بر فرض که مهدویت درست باشد دو تا مهدی داریم: یکی مربوط به اهل سنت است و دیگری ساخته و پرداخته شیعیان می‌باشد. در پاسخ باید اذعان نمود که با دقت در کتب صحیح احادیث اعم از شیعه و سنی متوجه می‌شویم که احادیث مهدویت متواتر است و امام مهدی<sup>(ع)</sup> هم واحد است و نیز رمز وحدت مسلمین وجود مبارک امام مهدی<sup>(ع)</sup> است.

واژگان کلیدی: امام مهدی<sup>(ع)</sup>، علم حدیث، تقریب مذاهب اسلامی.

## مقدمه

اصولاً در ساختار هندسی هر دین و آیینی، رهبری و امامت عمده است، چنانچه مواجهه با نابودی شود کیان و هستی آن از بین می‌رود. از این زاویه دید ساختاری، بنیاد اسلام بر امامت بعد از توحید و نبوت است و همه فرق مسلمین آن را قبول دارند که در جای خود خواهد آمد. لذا وجود مبارک امام و قهراً امامت حضرت حجه ابن الحسن امام عصر<sup>(ع)</sup>، رکن اصلی و عمود خیمه اسلام است. چون مهدویت در ذات اسلام قرار دارد و معنادهنده نبوت و خاتمیت نبی اکرم<sup>(ص)</sup> دین اسلام می‌باشد و انکار مهدویت منتهی به انکار نبوت و اسلام می‌گردد.



## ❖ چرایی انکار امام مهدی (ع)

در همین راستا یعنی «نفی دین اسلام»، دست به کار شده که اصل مهدویت را کنار بزنند تا به زعم خودشان با ساختن دنیای بدون منجی دینی به نیات استعماری شان دست یابند. متأسفانه در شرایط حاضر، جهان اسلام شاهد پروسه مرموز و مشکوک انکار مهدویت می باشد.

دلیل عمده این توطئه، بالندگی روزافزون اسلام ناب محمدی به رهبری ابراهیم زمان امام خمینی (ره) و خلف بر حقش امام خامنه‌ای (دام‌ظله‌العالی) می باشد. البته قابل یادآوری است که پروسه نفی مهدویت از ابداعات شیطانی غرب می باشد. از ده‌ها سال پیش، فرهنگ‌سازان و اندیشه‌پروران سینمای هالیوودی دست به کار شده‌اند و صدها حلقه فیلم ضد مهدویت را و یا باصطلاح منجی‌گرایانه را در قالب هنرهای هفتم، پدید آورده‌اند. صحنه‌های اکشن این فیلم‌ها اساساً باورهای نوجوانان و جوانان را آماج خود قرار می دهد که روندی بسیار قابل تأمل برای متفکران و اندیشمندان اسلام و مشرق زمین است. موج فیلم‌های منجی‌گرایانه آمریکایی و در اصل یهودی، چیزی جز مبارزه با اندیشه پاک مهدویت نیست. پیام نهایی این گونه منجی‌سازی آمریکایی، ایجاد بدیل کاذب برای بشریت است که در جای خود باید بررسی گردد.

## ❖ چگونگی انکار امام زمان

دقیقاً در ادامه توطئه هالیوودی-آمریکایی ایادی مرموز صهیونیستی در دنیای اسلام دست به کار شده‌اند. این‌ها با پشتوانه پنهان و آشکار استکبار جهانی با هدف ضربه زدن به اسلام راستین محمدی به میدان آمده‌اند و سردمداران انکار اصالت مهدویت در متون دینی اسلامی گردیده‌اند.

## ❖ استراتژی فرقه‌گرایانه

راهبرد تاریخی استعماری در خاورمیانه طبق معمول نزاع مذهبی است که مشتری فروان دارد و متولی آن سلفی‌گری یا وهابی‌گری جزیره‌العرب است. یکی از این‌ها چنین می نویسد:

«بانیان اصلی اندیشه مهدویت شیعیان هستند و هسته اصلی تشیع بر مبنای امامت امام دوازدهم و مهدی منتظر محمد بن حسن عسکری استوار می باشد؛ که متأسفانه در تعامل روزمره اجتماعی مانند هم‌نشینی و دوستی و رفت و آمد شیعه و سنی در مرور زمان به اعتقاد اهل سنت نیز سرایت کرد تا که به مهدویت ایمان آوردند تا بخشی از عقیده آن‌ها (سنی‌ها) شد، در حالی که اصل عقیده اهل سنت بری و خالی از مهدویت می باشد». (وإن أصل من تبني هذه الفكرة یعنی فکرة المهدی والعقیده هم الشیعه؛ و در صفحه ۳۰ از کتاب لامهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر: والمهدی فی مبدأ دعوتہ واحد ولیس باثنين فلم یقل أحد أنهما مهديان وإنما هو مهدی واحد تنازعتہ أفكار الشیعه وأفکار بعض أهل السنه فكل لوم أو ذم ینحی به علی



الشیعہ لإیمانہم بإمامہم محمد بن الحسن الذی ہو فی السرداب فإنه ینطبق بطریق التوافق والموافقہ علی أهل السنہ الذین یصدقون بالمہدی المجهول فی عالم الغیب فہما فی فساد الاعتقاد بہ بیان. انتہی)

## ➤ **راہبرد تفرقہ آمیز مہدویت ستیزی، در دوراھکار شکل گرفته است**

۱- انکار تام و تمام مہدویت؛

۲- مہدویت ساخته و پرداختہ شیعیان.

## ➤ **منکران مہدویت**

منکران مدعی اند کہ احادیث و اخبار مہدویت نادرست می باشد چون در صحیح بخاری و صحیح مسلم دو کتاب عمدہ حدیثی اہل سنت احادیث مہدویت نیست؟ پژوهہ پیش روی در نظر دارد با این منکرین جدال علمی نماید لذا روش تحقیق بہ اقتضای مباحثی شکل می گیرد کہ بقرار زیر است:

## ➤ **علم حدیث**

استراتژی عمدہ این پژوهہ در مقام اثبات نقلی و بر مبنای اصول علم حدیث است و گفتمان درون دینی و علم الحدیثی خالص است و در ادبیات خاص و گفتمان اہل سنت اجرا می شود کہ ہدف رسالہ می باشد. مباحث حدیثی مورد نظر تقریبی است «پاسخ بہ منکران احادیث امام مہدی<sup>(ع)</sup>» در مقیاس های حدیثی اہل سنت و امامیہ اجرا می گردد، ماہیت تقریبی دارد و از احادیث سنی بہ مثابہ نکات اصلی و پرکنندہ این زنجیرہ ریاضی استفادہ می شود؛ و ثابت می شود کہ ترسیم شکل منطقی از دین اسلام، تنہا با مہدویت میسر است کہ نقطہ تلاقی و اوج کمال تشریح در سایہ تکوین می باشد و غایت و ہدف خلقت انسان را بر روی زمین نشان می دہد.

## ➤ **قطر سرزمین توطنہ**

امیرنشین کوچک قطر با رژیم وہابی، کہ از برکت نفت سرمست اند اساساً در تاریخ منطقہ و خاورمیانہ اسلامی فاقد تبار و پیشینہ می باشند و تنہا سند معتبری کہ نشانہ موجودیت سیاسی شان است، منوط بہ استعمارگران انگلیسی و جایگزینی اربابان سابق در اوایل دہہ ہفتاد میلادی است. با توجہ بہ این پیشینہ استعماری، دور از انتظار نیست کہ امیرنشین قطر مرکز توطنہ تفرقہ افکنانہ روباہ پیر (انگلستان) در میان مسلمین باشد. در این رابطہ کتابی بہ نام «لا مہدی ینتظر بعد رسول الخیر البشر» بہ چاپ رسانیدہ شد. مؤلف کتاب، نخست احادیث امام مہدی<sup>(ع)</sup> را ضعیف می شمرد و بعد یکسرہ مہدویت را در اسلام انکار می نماید.

## ❖ دلیل منکرین احادیث امام مهدی (ع)

چنانچه یکی از منکرین امام زمان (ع) (بن محمود، لامهدی ینتظر بعد رسول خیرالبشر، صص ۸ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۹، نقل عن کتاب، عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر: الشیخ عبد المحسن العباد معاصر بحث فی ۳۸ صفحه نشرته مجله الجامعه الاسلامیه المدینه المنوره العدد الثالث السنه الاولی ذوالقعدہ ۱۳۸۸) گوید: یکی از اسباب مهم ضعف احادیث امام مهدی نیامدن در صحیحین بخاری و مسلم است. اگر چنانچه این احادیث قوت سندی می‌داشت و صحیح می‌بود حتماً شیخین بزرگ علم حدیث، امام بخاری و امام مسلم، متعرض آن می‌شدند و حالا که آن‌ها را کرده‌اند پس احادیث مهدویت نادرست تلقی می‌شود. لازم به ذکر است که تکیه ایشان بر صحیحین بخاری و مسلم مبتنی بر خوانش جماعت حدیث اهل سنت از صحاح مزبور می‌باشد که صحیحین را معتبر می‌دانند و اصولاً در برابر احادیث صحیحین سر تسلیم فرود می‌آورند. در حالی که این اعتبار و درجه صحت طبق گفته خود بخاری و مسلم و نیز علمای برجسته اهل سنت مجازی است و نه حقیقی، چنانچه این مطلب بعداً در پژوهه پیش رو خواهد آمد.

## ❖ گفتمان حدیثی اهل سنت

قبل از هر سخنی قابل یادآوری است که اشکال یا شبهه مزبور طبق گفتمان حدیثی برادران اهل سنت آمده است. لازم است که بطلان آن هم بر گفتمان حدیثی اهل سنت استوار باشد. چون اگر بخواهیم حوزه یک شبهه را از جایگاه دانش شناختی و یا معرفتی که دارد به حوزه دیگری ببریم راه درست را نرفته‌ایم و شاید نوعی القاء جدل و سفسطه باشد. مثلاً اشکال علمی را با داده‌های نقلی پاسخ دهیم و یا برعکس برای مستندات نقلی و حدیثی سراغ علم دیگری برویم. ممکن است این رویکردها درست باشد اما نمی‌تواند برای اشکالی که در حوزه خودش طرح شده است جواب کافی باشد. لذا چون اشکال طبق منابع و منطق حدیثی اهل سنت درج شده است لازم است که بر همان منوال یا گفتمان حدیثی اهل سنت پاسخ داده شود.

## ❖ احادیث صحیح نزد اهل سنت

اولاً باید بگویم که قاعده انحصار احادیث صحیح در صحیحین بخاری و مسلم برخلاف نظر شیخین بزرگ حدیث است زیرا انحصار صحت حدیث در نظر آن‌ها مجازی است تا حقیقی و برای تشریح مطلب به نکات ذیل می‌پردازیم:

۱. شیخین بزرگ حدیث آقایان بخاری و مسلم هرگز مدعی نشده‌اند هر آنچه حدیث درست و صحیح است حتماً در کتاب‌هایشان آمده است و هر آنچه که بیرون مانده نادرست است.
۲. هیچ دانشمندی از اهل سنت همچنین قاعده و سخنی را از آن‌ها روایت نکرده است.



۳. حتی عکس این پندار از امام بخاری و امام مسلم در متون حدیثی اهل سنت آمده است: ابو عمرو ابن الصلاح متوفای ۶۴۳ ق (۱۱۶۱ م) و صاحب کتاب «علوم الحدیث» عالم برجسته علم حدیث در قرن ششم و هفتم است در بلده «شیرخان» نزدیک شهر «زور» به دنیا آمد. ملک اشرف پادشاه ممالیکی مصر و شامات، تولید دارالحدیث اشرفیه دمشق را به وی داد. دارای مؤلفات عدیده‌ای است:

۱. معرفه انواع علوم الحدیث که به مقدمه ۵. فوائد الرحله
۲. الامالی ۶. ادل المفتی والمستفتی
۳. الفتاوی ۷. طبقات الفقهاء الشافعیه
۴. شرح الوسیط ۸. طله الناسک فی صفه المناسک.

وی در دمشق وفات یافت. او می‌نویسد: همه احادیث صحیح در کتاب‌های بخاری و مسلم نیست و هرگز آن دو ملزم به انحصار کلیه احادیث صحیح نبوده‌اند. چنانچه من از خود بخاری نقل قول نمایم که ایشان بسیاری از احادیث صحیح را به جهت طویل بودن نیاورده‌اند. ایضاً ابن الصلاح ابو عمرو که از اعظم علمای اهل سنت می‌باشد، از امام مسلم نقل کرده که ایشان فرموده: مراد از صحت حدیث این نیست که هر چه من آورده‌ام صحیح است، بلکه معنای صحیح این است که آنچه آوردم مجمع علیه می‌باشد و نیز بسیاری از احادیث که صحیح هم بود یا مجمع علیه هم بودرها نمودم و نیاوردم. (دقت و صداقت و امانت علمای حدیث را توجه نمایید که چگونه هر گونه جزمیت و تجمدرامی زدایند).

امام ابو زکریا محیی‌الدین یحیی بن شرف نووی در شرح خویش بر صحیح مسلم «المنهاج فی شرح مسلم»؛ بعد از آنکه التزام گروهی از متابعت کنندگان شرط و شروط و راه حدیث پژوهی بخاری و مسلم را بر می‌شمارد می‌نویسد: این التزام و تکیه ویژه بر قاعده انحصار صحیح در بخاری و مسلم درست نیست، چون هر دو هرگز داعیه استیعاب کلیه احادیث صحیح را نداشتند و هر دوی ایشان تصریح نموده‌اند که نتوانستند همه اخبار صحیح را گردآوری نمایند و کارشان مانند فقیه‌ای است که کتاب احکام را می‌نویسد و بدان معنا نیست که هر اندازه و عدد حکم فقهی باشد همه را در کتابش آورده است. بخاری و مسلم هم کتاب حدیث تألیف کرده‌اند و بسیاری از احادیث صحیح را متذکر شده‌اند اما این گفته منطقیاً درست نیست که در عالم وجود احادیث صحیح و همه‌شان را دارند و هر آنچه بیرون مانده ضعیف و یا نادرست است؟

محیی‌الدین ابو زکریا یحیی بن شرف الحورانی الشافعی النووی متوفای ۶۷۶ ق (۱۲۳۴ م) امامت و تولید دارالحدیث الاشرفیه دمشق را داشت و کتب ذیل از اوست:

۱. تهذیب الاسماء و اللغات ۳. التقریب و التیسیر فی مصطلح الحدیث
۲. المنهاج فی شر المسلم ۴. الاذکار

۵. ریاض الصالحین

۷. مختصر اسد الغابه فی معرفه الصحابه و...

۶. اربعون نووی

دلیل دیگر بر عدم اعتبار قاعده انحصار احادیث صحیح در صحیحین بخاری و مسلم: از بخاری آمده است که از بر نما صد هزار حدیث صحیح را و نیز دو صد هزار حدیث غیر صحیح را، در حالی که کلیه احادیث منتسب به رسول خدا بیش از ده هزار حدیث نیست.

حاکم نیشابوری متوفای ۳۷۸ ق (۸۹۸ م) محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق ابو احمد النیسابوری الکرابییسی معروف به الحاکم الکبیر، محدث خراسان در عصر و زمانه خودش بود. معروفترین اثر وی «المستدرک علی الصحیحین» است و تألیفات ذیل را دارد:

۱. الاسماء و الکنی

۳. المخرج علی کتاب المزنی

۲. العلل

۴. الشیوخ و الابواب.

وی در کتاب مشهور خود «المستدرک علی الصحیحین» احادیث بسیاری را آورده که بر مبنای شروط شیخین حدیث بخاری و مسلم و یا یکی از آن‌ها درست است که بخاری و مسلم متعرض آن‌ها نشده بودند ولی حاکم بر مبنای روش کاری‌شان یعنی شروط شیخین این احادیث را آورده و صحیح هم دانسته است.

محدث و حدیث شناس مشهور اهل سنت، الامام ذهبی هم بسیاری از تصحیحات حاکم را صحیح شمرده است. در حالی که این احادیث مستدرک به‌دو در صحیحین نیامده است و صرفاً بر اساس استدراک حاکم بر شروط شیخین پیدا شده است. الذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز، تُرکمانی الأصل، ثم الدمشقی، المقرئ، امام و حافظ و محدث عصر و خاتم الحفاظ و مورخ مشهور اسلام است تا آنجا که امام حدیث شد. السخاوی یکی از بزرگان حدیث درباره وی گفت: همه محدثین ریزه‌خوار سفره حدیثی ذهبی و مزنی و عراقی و حافظ ابن حجر می‌باشند. ذهبی در حدود صد اثر دارد که مشهورترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. تاریخ الإسلام؛

۷. التجرید فی أسماء الصحابه؛

۲. سیر أعلام النبلاء؛

۸. و المیزان فی الضعفاء؛

۳. طبقات الحفاظ؛

۹. المغنی فی الضعفاء؛

۴. طبقات القراء؛

۱۰. تلخیص المستدرک للحاکم؛

۵. مختصر تهذیب الکمال؛

۱۱. مختصر سنن البیهقی و غیره.

۶. الکاشف؛

وی در دمشق به دنیا آمد و همانجا وفات یافت.



## 📌 کتب احادیث صحیح

با توجه به مطالب پیشین دریافتیم که احادیث صحیح اهل سنت منحصر در صحیحین بخاری و مسلم نیست و بلکه در کتب معتبره زیر هم می‌باشد مانند:

الموطأ امام مالک	جامع الترمذی	سنن الدارقطنی
صحیح ابن خزیمه	سنن أبی داود	سنن بیهقی و...
صحیح ابن حبان	سنن النسائی	
مستدرک الحاکم	سنن ابن ماجه	

که مورد احترام و اتفاق دانشمندان اهل سنت و حدیث است. در تمام منابع فوق احادیث امام مهدی<sup>(ع)</sup> در مجموع به عنوان حدیث صحیح و متواتر پذیرفته شده است.

## 📌 اقسام حدیث صحیح و حسن در گفتمان حدیثی اهل سنت

احادیث مورد اعتبار کلاً بر دو نوع حدیث صحیح و نیز دو نوع حسن است:

۱. صحیح لذاته
۲. صحیح لغيره
۳. حسن لذاته
۴. حسن لغيره

### نکته دیگر در علم حدیث:

بر مبنای گفتمان حدیثی اهل سنت هر آنچه در صحیحین بخاری و مسلم آمده صحیح می‌باشد اما مانع این نیز نیست که در دیگر کتب صحاح، حدیث صحیح نباشد. ممکن است حدیث صحیحی باشد ولی در صحیحین ذکر نشده است؛ اما احادیث حسنه بسیاری است که در صحیحین نیست و در خارج از آن‌ها می‌باشد. دانشمندان حدیث شناس اهل سنت در تقسیم چهار گانه فوق اتفاق نظر دارند و متذکر شده‌اند. چنانچه حافظ ابن حجر که یکی از سرشناسان علم حدیث است در کتاب خویش «نخبه الفکر» در تقریر انواع حدیث چنین می‌نویسد: خبر صحیح خبری است که ناقل عادل و متصل السند و غیر معلل و غیر شاذ دارد. این همان خبر صحیح لذاته می‌باشد که بالاترین درجه قبولی را دارد. اگر چنانچه در برخی از موارد مانند ناقل و اتصال سندی و... دچار مشکلی باشد صحیح لذاته خوانده نمی‌شود و باید خارج از متن و سندش مثل کثرت طرق روایی مؤید و مصحح یافت شود تا صحیح خوانده شود که صحیح لغيره نام دارد. اگر این مؤید و به اصطلاح اهل حدیث مجبر ضعف نداشته باشد حسن لذاته نام می‌گیرد و اگر قرینه و شاهی بر تقویت و رجحان یابد حسن لغيره است.

## 📌 حدیث صحیح نزد اهل سنت بر هفت قسم است:

۱. در صحیحین ذکر شده است؛
۲. در یکی از صحیحین مثلاً از صحیح بخاری و یا از صحیح مسلم آمده است؛



۳. یا مسلم از استادش بخاری گرفته است؛
۴. حدیث صحیح است در صحیحین نیست اما بنا بر شروط شیخین استخراج شده است؛ مانند احادیثی که در المستدرک حاکم نیشابوری آمده است؛
۵. حدیث صحیح است چون تنها بر شروط بخاری استخراج شده است؛
۶. حدیث صحیح است چون تنها بر شروط مسلم استخراج شده است؛
۷. حدیث صحیح است اما بر شروط مسلم و بخاری هم استخراج نشده و به لحاظ شروط مستقل است.

مراتب هفتگانه فوق را ابن الصلاح حافظ عمرو در کتابش به نام «علوم الحدیث» آورده است؛ و نیز حافظ ابن حجر در کتاب معروف خود «نخبه الفکر» و همچنان بقیه علمای معروف حدیث ذکر نموده‌اند. از مراتب هفتگانه احادیث فوق تنها سه مرتبه اول در صحیحین شیخین یعنی بخاری و مسلم است و چهار مورد دیگر بیرون از آن‌ها می‌باشد.

نحوه برخورد علما با احادیث صحیح هفتگانه فوق بدون تفاوت است اعم از این که در صحیحین باشد یا نه و این روش اکنون بیش از هزار سال است که ادامه دارد و مورد اجماع اهل سنت و جماعت است. تا امروز دیده نشده که احدی از عالمان، حدیث صحیحی را به استناد نبودن آن در صحیحین بخاری و مسلم دور انداخته باشند و یا ارزش آن را کم کرده باشند. حتی در امور بزرگ اعتقادی اهل سنت مانند حدیث مشهور «عشره مبشره» از پیامبر خدا نیز این گونه است. حدیث «عشره مبشره» در صحیحین نیست و تنها در مسند امام احمد بن حنبل و دیگر سنن و... می‌باشد؛ اما عموم جامعه اهل سنت به حدیث «عشره مبشره» اعتقاد دارند.

چنانچه برخی می‌گویند در معماری جدید حرم مقدس نبوی گنبد با عظمت سبز بر روی مرقد مبارک حضرت رسول (ص) نشانه نبوت است؛ و ده مناره بلند و سفید رنگ به نشانه عشره مبشره از اصحاب رسول اکرم (ص) می‌باشد و ایضاً نام «عشره مبشره» در زیر گنبد درج شده است. با این وصف تا هنوز کسی در میان اهل سنت نیامده و در حدیث «عشره مبشره» اشکالی وارد نکرده است. گفتنی است حدیث «عشره مبشره»، مانند حدیث «مهدویت» متواتر هم نیست و در صحیحین مسلم و بخاری نیز نیامده است، با این وصف کسی نمی‌تواند بگوید: حدیث «عشره مبشره» موضوعه است.

و از این دست، حدیث مشهور دو ملک نکیر و منکر و سؤال کننده در شب اول قبر از میت که در صحیحین نیست اما جزو اعتقاد عموم مسلمین و نیز قاطبه جامعه اهل سنت است.

با نگرش دقیق به مقدمات فوق، اثبات می‌شود که اصل مهم در صحت حدیث صحیح، به لحاظ انتساب و دلالت آن است نه این که حتماً در صحیحین آمده باشد و الا بسیاری از مسلمات اعتقادی هم زیر سؤال می‌رود و اصلاً اگر چنین باشد که هر چه از احادیث در صحیحین نیامده





مردود است دیگر چه نیازی به سنن و صحاح دیگر است؟ باید بقیه کتب معتبره احادیث مسلمین و یا اهل سنت را در گوشه‌ای بایگانی نمود و اخبار آثار نبوی را دفن کرد. هیچ صاحب منطقی در تاریخ حدیث، این گونه سخن نرانده است.

احادیث امام مهدی<sup>(ع)</sup> هم از این قبیل است. نیامدن برخی از آن‌ها در صحیحین خللی وارد نمی‌نماید؛ اما دقت بیشتر نشان می‌دهد که برخلاف گفته ایشان برخی از احادیث مهدویت در صحیحین وجود دارد که اشاره می‌نمایم:

### ✦ احادیث امام مهدی<sup>(ع)</sup> در صحیحین

برخلاف ادعای منکران امام مهدی<sup>(ع)</sup> برخی از احادیث امام مهدی<sup>(ع)</sup> در اصل از صحیحین است؛ مانند این حدیث که در صحیح مسلم آمده است:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ، ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَيُنزِلُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَ صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أُمَرَاءُ، تَكْرِمَهُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ». (صحیح

مسلم، ج ۱، ص ۵۵)

از جابر<sup>(رض)</sup> می‌گوید: از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> شنیدم که می‌گفت: هنوز باقی می‌ماند دسته‌ای از امت من که در راه حق پیکار می‌کنند و تا روز قیامت و آن وقت که عیسی بن مریم<sup>(ع)</sup> از آسمان به کمکشان نازل می‌شود، پس امیر مجاهدین به عیسی<sup>(ع)</sup> می‌گوید بیا امامت جماعت را در نماز بر دوش بگیر، ولی عیسی<sup>(ع)</sup> جواب می‌دهد که خیر، چون یکی از شما بر دیگران امیر هستید و خداوند آن امارت را به نشانی کرامت این امت قرار داده است.»

هر چند نام امیر مسلمین در حین نزول عیسی بن مریم<sup>(ع)</sup> در حدیث جابر ذکر نشده است، اما در جای دیگر از متون صحاح اهل سنت نام این امیر که عیسی بن مریم<sup>(ع)</sup> به او اقتداء می‌کند به نام مبارک مهدی<sup>(ع)</sup> ذکر شده است؛ و آن در همین حدیث جابر در نزد حارث بن اُبی‌اسامه است که به این شرح است:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يُنَزِلُ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ: تَعَالَ، صَلِّ بِنَا. فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَهُمْ أَمِيرٌ بَعْضٍ، تَكْرِمَهُ اللَّهُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ».

(فیض‌التقدیر، ج ۶، ص ۱۷)

پس امیر مجاهدین که مهدی<sup>(ع)</sup> است، به عیسی<sup>(ع)</sup> می‌گوید، بیا امامت جماعت ما را در نماز بر دوش بگیر، ولی عیسی<sup>(ع)</sup> جواب می‌دهد که خیر، چون یکی از شما (یعنی مهدی) بر دیگران امیر هستید و خداوند آن امارت را به نشانی کرامت این امت قرار داده است.

حتی ابن قیم در اثرش بنام «المنار المنیف» که در مواردی رویکرد دارد و حتی بر برخی از احادیث امام مهدی<sup>(ع)</sup> خرده می‌گیرد نیز این حدیث را به لحاظ صحت سند می‌پسندد و می‌گوید سند خوبی دارد.

### 📌 مهدویت ساخته و پرداخته شیعیان

متأسفانه از دیگر طرفداران تئوری «مهدویت ساخته شیعه» احمد امین است. وی با آن که یک سکولار است و اساساً به دین اسلام با نگاه و متد غربی قضاوت می‌کند، باز هم نمی‌تواند رگه‌های سلفی‌گری خودش را کتمان نماید و یک‌طرفه نزد قاضی رفته و بی‌محابا مهدویت را مجعول شیعیان می‌خواند. احمد امین در کتاب معروف خودش به نام «ضحی‌الاسلام» جلد سوم صفحه ۲۴۱ چنین می‌نویسد.

اندیشه مهدویت برخاسته از زمینه‌های سیاسی و جامعه‌شناختی است. به نظر من خاستگاه مهدویت اپوزیسیون تشیع علیه نظام خلافت می‌باشد زیرا که نخستین بنیان‌گذاران مهدویت هستند چون زمام خلافت از دستشان گرفته و خارج شده بود.

باز در جلد سوم صفحه ۲۴۳ می‌نویسد: رهبران چیره‌دست شیعه اندیشه عمومی مردم ساده‌دل را بازپچه خود قرار دادند و به‌خصوص آنانی که تشنه دعوت اسلامی بودند، آن‌ها را با احادیث مهدویت به‌سوی دیگری (غیر از نظام خلافت) سوق دادند. در نتیجه از ناحیه اهل بیت طاهر نبی<sup>(ص)</sup> احادیثی را وضع کردند که مثلاً از رسول خدا روایت کرده و حتی برایش سند درست کردند و از طرق مختلف در میان عوام‌الناس پخش کردند و مردم ساده‌دل هم آن‌ها را باور کرد و رجال بزرگ شیعه در مقابل این جعل حدیث سکوت کرد چون به نفع و مصلحتشان بود.

باز در صفحه ۲۴۴ ادامه می‌دهد: در نتیجه عقلانیت دینی مردم با احادیثی پر شد و داستان‌هایی جعل شد که نوشته‌های بزرگ را در کتب مسلمین به خود اختصاص داد و به نام ملاحم و فتن مشهور گردید. در این داستان‌ها خبر از وقایع غیبی بود که در آینده می‌بایست واقع شود مانند جنگ عرب و روم و جنگ با ترکان. همه این داستان‌های خیالی به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نسبت داده می‌شد و بخشی از آن به ائمه اهل بیت<sup>(ع)</sup> و برخی دیگر به کعب‌الاحبار و وهب بن منبه و همچنین کسانی دیگر. این داستان‌ها و اخبار غیبی اثر بسیار بدی در گمراهی اندیشه‌های مردم داشت تا آنجا که ملت را برده اوهام و خیالات نمود و بدتر از آن شورش‌های پی‌درپی در تاریخ مسلمان‌ها پیدا شد که باعث آن، نظریه مهدویت است چون در هر زمانی یک شورش برپا می‌گردید که شخصی خود را مهدی موعود تبلیغ می‌کرد و گروهی را به دور خودش جمع می‌کرد که باعث ناامنی و آشوب می‌گردید. تمام این‌ها پیامد اندیشه خرافی مهدویت بود، اندیشه‌ای که نه با سنت خداوند مطابقت داشت و نه در خلقت خداوند امکان داشت و نه عقل صحیح آن را می‌پذیرفت.



## پاسخ

در شبهه نخست آقای احمد امین مؤلف محترم کتاب مشهور «ضحی الاسلام» که می‌گوید: «مهدویت از ساخته‌های شیعیان است و ربطی به رسول خدا ص ندارد». در برابر این ادعای بی‌جا و بسیار بی‌پایه باید گفت: سخن ایشان که مدعی تحقیق و پژوهش در کتابش است سخت دروغ است و عجیب است از کسی مانند ایشان؟ گویا هیچ سررشته‌ای از معتقدات مسلمانان و حتی سنی‌ها ندارد. زیرا نزد اهل سنت و جماعت مهدویت بخشی از اعتقادات است که مانند دیگر مسلمات دینی آن را باور دارند.

اما این که می‌گوید: «احادیث مهدویت نزد اهل سنت وجود ندارد و ساخته دست شیعه است»؛ بسیار نادرست می‌باشد. چون ائمه حدیث اهل سنت این روایات را به صورت متواتر از پیامبر (ص) مستقیماً روایت نموده‌اند.

و نکته مهم‌تر که آقای احمد امین ناآگاه است، این حقیقت است که اصولاً در علم حدیث مجادلات و مباحث فرقه زیاد کارساز نیست. بسیار از راویان حدیث نزد اهل سنت و یا شیعیان ممکن است از مذهب و مشرب فرقه دیگری باشد ولی چون رجل ثقة است از اعتبار رجالی برخوردار است.

از باب مثال: اصبع بن نباته از عاشقان و مریدان مشهور امام علی (ع) است ولی نزد راویان اهل سنت اعتبار دارد و یا سکونی از اهل سنت است اما نزد فقهای شیعه اعتبار رجالی دارد. زیرا گستره حدیث نص محور بوده و دارای امکانیات عقلی مانند جبر و اختیار و یا حسن و قبح نیست که هر کس مختار باشد به سویی رود و هر چیزی را به سوی مشخص و روال و مشرب و ذوق خود تفسیر نماید.

سر و کار حدیث با منصوصات سنت شریفه است که از طریق روایات و ثقات به دست می‌آید و چه بسا موارد زیادی است که شیعه و سنی حدیث مشترک و یا راوی مشترک دارند و از جمله آن‌ها اخبار امام مهدی (ع) است؛ و شاهد ما در این باره روایات مشترکی است که نزد فریقین و یا فرق اسلامی مورد قبول است؛ مثلاً ابوسعید خدری و یا عبدالله بن عباس و اصبع بن نباته و بالاتر از همه و اصولاً ائمه معصومین (ع) اثناعشریه روایاتشان نزد کلیه فرق اسلامی مورد احترام می‌باشد و حتی صحابه و منسوبین مورد احترامشان نزد دیگر فرق اسلام محترم هستند.

در ادبیات علم حدیث اصطلاحی است به نام طریق روایت که بسیار اهمیت دارد. در بحث دلالت و سند حدیث حتی جابه‌جا شدن یک الف و یا حرف واو و حتی نقطه‌ای هم مورد سؤال است تا چه رسد به این که طریق و یا راوی از یک فرقه و یا طائفه و یا مذهب دیگری باشد و بخواهد برای تبلیغ مرام و ایده خود خبری در متون گروه دیگری منتقل نماید و یا بر آن‌ها تحمیل نماید. زیرا در مواردی طریق روایت چه بسا از خود حدیث مهم‌تر و معتبرتر است. در این که کدام طریق

معتبر است بحث‌های عمده علم حدیث را تشکیل می‌دهد؛ و تا آنجا که مذاهب فقهی ائمه اربعه اهل سنت یعنی مالکیه و حنبلیه و حنفیه و شافعیه در رابطه با نحوه تلقی از احادیث با هم تعامل و تفاوت دارند و حتی پدید آمده‌اند تا آنجا که یک حدیث نزد حنبلیه به لحاظ مشرب فقهی معتبر است اما نزد مالکیه ممکن است کمتر اعتبار داشته باشد و یا حنفیه آن را به رسمیت نشناسد. خلاصه در علم حدیث صدها کتاب وجود دارد که بعد از تفاسیر قرآن مقام دوم اهمیت در تراث مکتوب جهان اسلام را دارا می‌باشد. احادیث مهدویت نیز در این رسته قرار می‌گیرد؛ اما با یک تفاوت که اهل سنت بدون هیچ اختلافی احادیث مهدویت را معتبر می‌دانند. چون می‌دانند و اثبات نموده‌اند که همه‌شان با طرق مقبول و مورد اعتبار به نظر ائمه حدیث رسیده و آن را تقریر و یا به اصطلاح اهل حدیث اخراج کرده‌اند.

ادعای آقای احمد امین بسیار بی‌مایه و بی‌ریشه است، گویا کوچک‌ترین سررشته از علم حدیث ندارد که به راحتی در رابطه با احادیث نبوی جولان می‌دهد و رتق و فتق می‌کند؟ آن‌هم ادعا را در جایی می‌برد که هزاران عالم در طول بیش از ده قرن بر روی تک‌تک احادیث مهدویت زحمت کشیده‌اند. تمام افتخار این ائمه حدیث این است که سنت رسول الله را از نسلی به نسل دیگر منتقل نموده‌اند.

البته این گونه نیست که میان شیعه و سنی تعامل حدیثی نبوده بلکه به شرطها و شروطها که نزد اهل خبره مشخص است؛ مثلاً شیخ الطائفه علامه طوسی با ائمه حدیث اهل سنت تعامل حدیثی داشته و با امانت حدیثی را اخذ می‌کرده و یا حدیثی را در اختیارشان می‌گذارده است. در مجموع بیش از صد فقره حدیث نزد اهل سنت وجود دارد که حکایت از امام مهدی<sup>(ع)</sup> می‌نماید. این احادیث در طول قرون توسط علمای برجسته حدیث اهل سنت استخراج و در مسیر درایت علم حدیث قرار گرفته و مفتح و تثبیت شده است که نه بدواً و نه نهایتاً، هیچ عالم شیعی در تولید و یا تنقیح آن دخالت نداشته و خود علمای برجسته اهل سنت امثال حاکم نیشابوری و ابن حبان بستی و مزی و ابن حجر عسقلانی و ذهبی قایماری، این احادیث را صحیح و معتبر دانسته‌اند.

## اصالت تاریخی و سیر احادیث امام مهدی<sup>(ع)</sup> نزد اهل سنت

درج اصالت تاریخی کلیه احادیث مهدوی در منابع اهل سنت از حوصله این وجیزه بیرون است و از باب قاعده «ما لا یدرک کله، لا یتدرک کله» به یک مورد بسنده می‌شود، که مشتق از نمونه خروار است. در اصطلاح علم حدیث نزد اهل سنت، حدیث مستقیم از پیامبر<sup>(ص)</sup> را «خبر» می‌نامند ولی اگر از سوی صحابه باشد «اثر» می‌گویند و مقام خبر از اثر بالاتر است. در اینجا خبری بسیار مشهور درباره امام زمان «مهدی منتظر<sup>(عج)</sup>» از اهل سنت که در ده‌ها سند معتبر از آن‌ها در کتب حدیث آمده است نقل می‌کنم و بعد از ذکر مصادر و تقریر ائمه حدیث اهل سنت در توالی عصور و قرون



حدیث قضاوت را بخوانندگان محترم واگذار می‌نمایم.

هر فرد با انصاف خود می‌تواند قضاوت نماید که آیا این حدیث ساخته و پرداخته شیعیان است؟  
 آیا این حدیث را نخست عالمان شیعی استخراج کرده و بعد به خورد اهل سنت داده‌اند؟  
 آیا این حدیث را عالمان شیعی طی سالیان بعد به متون اهل سنت اضافه کرده‌اند؟  
 اینک شما اصل خبر را ملاحظه نمایید و بعد سیر خبر را در متون حدیثی معتبر اهل سنت از  
 قرون اولیه هجری تا قرون معاصر و روزگار ما، ملاحظه نمایید.

## اصل خبر

رسول خدا (ص) فرمود:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَبْشُرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلَزَلٍ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئْتُ جَوْزًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، يَفْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا صِحَاحًا؟ قَالَ: بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ، قَالَ: وَيَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غِيًّا، وَيَسْعَهُمْ عَدْلُهُ، حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا فَيُنَادِي، فَيَقُولُ: مَنْ لَهُ فِي مَالٍ حَاجَةٌ، فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ، فَيَقُولُ: أَنَا، فَيَقُولُ: ائْتِ السَّدَانَ، يَعْنِي الْخَارِجَ، فَقُلْ لَهُ: إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالًا، فَيَقُولُ لَهُ: أَحْتِ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي جُجْرِهِ وَأَبْرَزَهُ نَدَمًا، فَيَقُولُ: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا، أَوْعَجَزَ عَنِّي مَا وَسَعَهُمْ؟ قَالَ: فَيَرُدُّهُ، فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ، فَيَقَالَ لَهُ: إِنَّا لَا نَأْخُذُ سَيِّئًا أَعْطَيْنَاهُ، فَيَكُونُ كَذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانِ سِنِينَ أَوْ تِسْعَ سِنِينَ، ثُمَّ لَا خَيْرَ فِي الْعَيْشِ بَعْدَهُ، أَوْ قَالَ: ثُمَّ لَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَهُ»

احمد حنبل در کتاب خود «مسند» و به سند خود، از ابو سعید خدری استخراج و روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مژده باد شما را به ظهور مهدی (عج)!! او به هنگام اختلاف امت من و وقوع زلزله‌ها برانگیخته می‌شود و زمین را از عدل و داد لبریز می‌سازد، همان طور که از ظلم و جور مملو شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خرسند خواهند شد. اوست که مال خدا را درست تقسیم می‌کند. یکی از حضار پرسید: درست چیست؟ در پاسخ فرمود: او اموال الهی را به طور مساوی در میان مردم تقسیم می‌کند. در این حال است که خدای تعالی دل‌های امت پیامبر صلی الله علیه و آله را بی‌نیاز می‌سازد و عدالت الهی آنان را فرا می‌گیرد؛ و چنان ثروتمند می‌شوند که هرگاه نادانان فریاد زدند: چه کسی نیاز به مال و ثروت دارد؟ هیچ‌کس پاسخ نمی‌دهد، مگر یک نفر از حاضران که اظهار نیازمندی می‌نماید. خطاب به او می‌گوید: هم اکنون نزد مسئول بیت المال برو و بگو که مهدی فرمان داد پولی به من بدهی. آن مرد با مسئول بیت المال ملاقات می‌کند و فرمان آن حضرت (عج) را به اطلاع او می‌رساند. مسئول آن می‌گوید: آماده باش! آنگاه

دامنش را پر از سیم و زر می‌کند. در این هنگام آن مرد اظهار پشیمانی می‌کند و می‌گوید: از طرز رفتار من پیداست که من از همه امت محمد صلی الله علیه و آله حریص‌ترم و یا آنچه آنان را کفایت کرد نمی‌تواند مرا کفایت کند توان آن را ندارم! برای همین پول‌ها را به مسئول بیت‌المال باز پس می‌دهد. وی نمی‌پذیرد و می‌گوید: ما آنچه را اعطا کردیم، پس نمی‌گیریم. بدین ترتیب مدت هفت سال یا هشت سال یا نه سال سپری می‌شود تا آن‌که به ملاً اعلی می‌پیوندد. مردم می‌گویند: پس از پیوستن او به ملاً اعلی، خیری در ماندن در دنیا نیست و یا به عبارت دیگر پس از او خیری در زندگی دنیا نمی‌باشد.

### ❖ استخراج حدیث

نخستین کسی که این حدیث را آورده و یا به عبارت اهل حدیث اخراج کرده و تقریر نموده است شیخ بزرگ حدیث امام عبدالرزاق صنعانی متوفای ۲۱۱ ق است یعنی اوائل قرن سوم هجری و یا قرن شکوفایی علم حدیث است. وی از مؤسسان و بزرگان حدیث اهل سنت می‌باشد که «مصنف» عبدالرزاق نزد قاطبه اهل سنت ارزش بالای فقهی دارد. احادیث را بر مبنای ابواب فقهی یعنی ۳۱ باب فقهی تصنیف نمود و ذهبی یکی از منتقدان بزرگ حدیث که بسیار مشهور هم هست کتاب وی را خزانه علم می‌نامد. او حدیث فوق را در جلد ۱۱ صفحه ۳۷۱ حدیث ۲۰۷۷۰ می‌آورد. بعد از ایشان امام احمد بن حنبل متوفای ۴۱۱ ق این حدیث را در مسند خودش از ابوسعید خدری با دو طریق این گونه آورده است. در جلد ۳ صفحه ۳۷ چنین می‌گوید:

طریق اول: «حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، حَدَّثَنَا جَعْفَرٌ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ زِيَادٍ، حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ بَشِيرٍ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ...»

طریق دوم: و بار دیگر امام احمد ابن حنبل در جلد ۳ صفحه ۵۲ این حدیث را با این سند و یا به عبارت اهل حدیث، طریق دیگر روایت می‌کند:

«حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ الْحَبَابِ، حَدَّثَنِي حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ، حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ زِيَادٍ الْمَعُولِيُّ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ بَشِيرٍ الْمُرِّيِّ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ...»

### ❖ اهمیت مسند امام احمد بن حنبل

ابن تیمیه می‌خواهد برخی از احادیث مسند امام احمد را به چالش بکشد؛ اما حافظ ابن حجر در کتابش از «القول المسدد فی الذب عن المسند» با شدت از امام احمد دفاع می‌کند و ثابت می‌نماید گفته ابن تیمیه درباره وی دقیق نیست.



## ◀ قرن چهارم هجری

در ادامه سیر متون حدیث از نسلی به نسل دیگر ابوالحسن احمد بن جعفر بن عبیدالله البغدادی متوفای ۳۳۶ ق در کتابش «ملاحم ابن المنادی» در صفحه ۲، این حدیث روایت می‌کند: «حدثنا جدي رحمه الله قال: نبأ روح بن عباد، عن المعلي بن زياد ابي الحسن، عن بشر بن العلي، عن ابي الصديق الناجي، عن ابي سعيد الخدري، عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال: ...» که متن حدیث امام احمد را با اندک تفاوتی می‌آورد.

## ◀ قرن ششم هجری

صاحب کتاب «البيان في أخبار صاحب الزمان» بنام محمد بن يوسف بن محمد القرشي الگنجی الشافعی متوفای ۶۵۸ ق در صفحه ۵۰۵ از باب ۱۰ نیز این خبر را مانند روایت اول در مسند امام احمد با اندک تفاوتی ذکر می‌کند و بعد اضافه می‌نماید:

«هذا حديث حسن ثابت، أخرجه شيخ أهل الحديث في مسنده و في هذا الحديث دلالة على أن

المجمل في صحيح مسلم هو الميّن في مسند ابن حنبل وفقا بين الروايات».

ترجمه: این حدیث در مرتبه حسنه است و شیخ اهل حدیث امام احمد بن حنبل در کتابش مسند، آن را توثیق نموده است و نیز این حدیث دلالتی است و گواهی است بر این که آنچه در «باب امام مهدی<sup>(ع)</sup>» در کتاب صحیح مسلم مجمل آمده است در مسند امام احمد به صورت مبین و واضح دیده می‌شود که این خود هماهنگی روایات را بازگو می‌کند.

## ◀ قرن هفتم هجری

یکی از شیوخ بزرگ حدیث اهل سنت آقای یوسف بن یحیی بن علی المقدسی السلمی الشافعی از علمای بزرگ قرن هفتم هجری قمری در کتابش: «عقد الدرر» در صفحه ۶۲ حدیث فوق‌الذکر را می‌آورد؛ و بعد اضافه می‌کند که این خبر را امام الحافظ ابو نعیم الاصبهانی فی صفة المهدی، آورده است و نیز امام احمد بن حنبل در مسندش ذکر نموده است.

## ◀ قرن هشتم هجری

در ادامه صاحب کتاب «فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام» ابراهیم بن محمد بن المؤید الجوینی الخراسانی متوفای ۷۳۰ ق در جلد ۲ صفحه ۳۱۰ حدیث ۵۶۱، حدیث را با سند امام احمد ذکر می‌کند.

## ◀ قرن نهم هجری

صاحب «مجمع الزوائد» نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی متوفی ۸۰۷ ق در جلد ۷ صفحه



۳۱۳ روایت اول امام احمد را با تفاوتی اندک می آورد و بعد می گوید:

«رواه الترمذی و غیره باختصار کثیر، رواه احمد بأسانید و ابویعلی باختصار کثیر و رجالهما ثقات.»

این روایت را امام احمد در مسند خود با سندهای متعدد توثیق کرده و نیز ترمذی در سنن خود و ابویعلی نیز در سنن خودش با اختصار زیاد ذکر نموده اند و تمام راویان دو طریق در حدیث ثقه هستند.

در ادامه در مسیر علمی توالی انتقال حدیث از قرن به قرن دیگر (منظور از قرن، قرن حدیثی یعنی طبقات است) و از نسلی به نسلی دیگر کتب زیر این مسیر را ادامه می دهد:

امام ذهبی، (عبدالله محمد بن احمد بن عثمان الذهبی) متوفی ۷۴۸ ق در «میزان الاعتدال فی نقد الرجال» در جلد ۳ صفحه ۹۷ طبق سند در مسند احمد، این حدیث را ذکر می کند.

### ◀ قرن نهم هجری

علی بن محمد بن احمد المالکی المکی، مشهور به ابن الصباغ، متوفی ۸۵۵ ق در کتابش «الفصول المهمه فی معرفه أحوال الأئمه علیهم السلام» در صفحه ۲۹۷ از ابی سعید و جابر بن عبدالله، مانند روایت نخست در مسند احمد را آورده و اضافه می کند این حدیث در رتبه حسن است و شیخ اهل حدیث امام احمد بن حنبل آن را در مسند خودش آورده است.

### ◀ قرن دهم هجری

امام جلال الدین سیوطی متوفی ۹۱۱ ق در «عرف السیوطی» جلد ۲ صفحه ۵۸ و هم چنان در تفسیر «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور» جلد ۶ صفحه ۵۷ این خبر را ذکر نموده است.

احمد بن حجر الهیثمی متوفی ۹۷۴ ق نیز در «الصواعق المحرقة» صفحه ۱۶۶ این خبر را آورده است.

علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین الهمندی متوفی ۹۷۵ ق صاحب «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال» در جلد ۱ صفحه ۲۶۱ حدیث ۳۸۶۵۳ از احمد بن حنبل روایت می کند.

### ◀ قرن یازدهم هجری

حمد بن علی الصبان متوفی ۱۲۰۶ ق صاحب «إسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و فضائل اهل بیته الطاهرین» در صفحه ۱۴۸ طبق «عرف سیوطی» خبر را می آورد و بعد می گوید: «و أخرج احمد و الماوردی» یعنی شیخ حدیث امام احمد و نیز امام الماوردی این خبر را توثیق و استخراج نموده اند.



## ◀ قرن سیزدهم هجری

شیخ مؤمن بن حسن مؤمن الشبلنجی متوفی حدود ۱۲۹۰ ق مؤلف «نور الابصار فی مناقب آل النبی المختار صلی الله علیه و آله» در صفحه ۱۸۸ روایت احمد الاولی با تفاوت کمی می آورد؛ و قندوزی حنفی در «ینابیع الموده» صفحه ۶۹ این خبر را از «إسعاف الراغبین» اخذ کرده و ذکر می کند و نیز در صفحه ۸۷، از منبع «غایه المرام»، اخذ کرده است.

## ◀ قرن چهاردهم هجری

محمد صدیق حسن القنوجی البخاری متوفی ۱۳۹۷ ق مؤلف کتاب «الاذاعه لما کان و ما یکون بین یدی الساعه» در صفحه ۱۱۹ این خبر را می آورد و بعد می گوید این خبر را امام احمد در مسند و امام أبویعلی موصلی در سنن خود آورده است و راویان هر دو امام، ثقه هستند و نیز الترمذی در سنن خود ذکر نموده است. (ر.ک. سنن، ج ۴، ص ۵۰۶، ح ۲۲۳۲)

صاحب «العطر الوردی» در صفحه ۶۹ از «الهدیه الندیبه» و «صواعق» ابن حجر این خبر را اخذ کرده است. احمد ضیاءالدین بن مصطفی بن عبد الرحمن الکمشخانوی متوفی ۱۳۱۱ ق در «راموز الاحادیث» این خبر را از امام احمد و الماوردی می آورد. احمد بن محمد بن الصدیق، ابو الفیض الغماری الحسنی الازهری الشافعی المغربی متوفی در ۱۳۸۰ ق در «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» صفحه ۵۶۲ حدیث ۳۱ نیز از احمد و الماوردی اخذ می کند.

## ◀ دوره معاصر

عبد المحسن بن حمد العباد مؤلف و محقق معاصر در علم حدیث، در کتابش به نام «عقیده أهل السنه و الأثر فی المهدی المنتظر» در صفحه ۹ از «مجمع الزوائد» این حدیث را می گیرد و به عنوان حدیث معتبر و صحیح از آن یاد می کند.

## ◀ نتیجه گیری

با توجه به فرازهای یاد شده در صفحات گذشته، به این جمع بندی و نتیجه می رسیم:  
یک: ملت ها و دولت های اسلامی در برابر دام خطرناکی قرار گرفته اند و آن عبارت است از انکار امام زمان<sup>(ع)</sup> در قرن معاصر.

دو: روشن است که انکار مهدویت جزئی از یک برنامه کلان ضد دینی است که در غرب به راه افتاده است و هدف از آن دور نمودن مسلمانان از اعتقادات دینی و مذهبی می باشد آن ها تلاش می کنند که با انکار امام زمان<sup>(ع)</sup> آخرین سکوی اعتقادی مسلمانان را نابود کرده و راه را به سوی الحاد و بی دینی هموار کنند.

سه: آنچه که امروز سلفی‌های عربستان سعودی و قطر انجام می‌دهند، بیانگر ماهیت پلید خودشان و اربابان استعمارگری است که قرن‌ها بر کشورهای اسلامی سلطه داشتند و ثروت و هستی مسلمانان را به غارت بردند بنابراین اقدام اخیر وهابیان جزیره‌العرب دایر بر انکار امام زمان<sup>(ع)</sup> هدفی جز همراهی با غرب نیست آن‌ها می‌خواهند که آخرین خیانت را به دین و ایمان مسلمین فرود آورند تا بتوانند بهترین خدمت را برای اربابان گذشته خود بنمایند. چهار: سلفیان در عربستان سعودی و قطر و سایر جاها می‌کوشند تا عملاً ثابت کنند چیزی به نام امام مهدی<sup>(ع)</sup> در احادیث اسلامی وجود ندارد و اگر وجود دارد، اخباری نادرست و باطل می‌باشد چنانچه این یاوه‌گویی‌ها در صفحات گذشته، خدمت خواننده‌های عزیز عرضه گردید.

دسته دیگر از وهابیان ادعا می‌کنند که بله در اسلام امام مهدی<sup>(ع)</sup> هست ولی مهدی که نزد مسلمانان سنی هست غیر از امام مهدی است که نزد شیعیان است. این‌ها می‌خواهند با القای این موضوع که در جهان اسلام دو مهدی وجود دارد که یکی مورد قبول شیعیان و دیگری مورد قبول اهل سنت است، مهدویت را، تکه‌تکه نمایند. و حالا اگر با حربه انکار امام مهدی<sup>(ع)</sup> به جایی نرسند سعی می‌کنند از باب تفرقه‌اندازی به استعمار خدمت کنند. بنابراین هدف از نگارش این مقاله این است که: اولاً: از اصالت و صحت احادیث امام مهدی<sup>(ع)</sup> در متون حدیثی شیعه و سنی دفاع نماییم که این امر به اختصار در صفحات قبل آمد. ثانیاً: با استعانت از درگاه خدای متعال، در صفحات پیشین فرازهای مشترک و واحد از مهدویت که شیعه و سنی در آن اتفاق نظر دارند ذکر نماییم.

#### منابع:

۱. عبدالله بن محمود، لامهدی ینتظر بعد رسول خیر البشر.
۲. الشیخ عبد المحسن العباد، عقیده أهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر، المدینة المنورة، چاپ ۱۳۸۸ قمری.
۳. عمرو ابن الصلاح الشَّهْرَزُورِی، عثمان بن عبد الرحمن، معرفة انواع علوم الحدیث.
۴. عثمان بن عبد الرحمن، أبوعمر، تقی الدین المعروف بابن الصلاح، معرفة أنواع علوم الحدیث، دار الکتب العلمیة الطبعة: الأولى سنة النشر: ۱۴۲۳ هـ / ۲۰۰۲ م.
۵. محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف الجورانی الشافعی النووی، أبو زکریا.
۶. محمد بن محمد بن أحمد بن إسحاق، أبو أحمد النیسابوری الکرايیسی معروف بالحاکم الکبیر، المستدرک علی الصحیحین.
۷. الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، التُّرکمانی الأصل ثمَّ الدمشقی، تاریخ الإسلام.
۸. أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی، نخبة الفكر فی مصطلح أهل الأثر.
۹. أحمد أمين، ضحی الإسلام.
۱۰. ابی بکر عبد الرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتب الاسلامی، بیروت.

